

## بررسی و نقش مراکز مشاوره ی خانوادگی در حقوق ایران با لحاظ قانون جدید حمایت خانواده

داریوش بابایی<sup>۱</sup>، مسعود انصاری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاداسلامی واحد یاسوج

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق، گروه حقوق دانشگاه آزاداسلامی واحد یاسوج

### چکیده

هدف از این تحقیق بررسی و نقش مراکز مشاوره ی خانوادگی در حقوق ایران با لحاظ قانون جدید حمایت خانواده می باشد که به بررسی راههای کاهش مشکلات در قواعد شکلی خانواده و جلوگیری از افزایش طلاق خصوصاً طلاق های توافقی و امنیت بیشتر خانواده ها می پردازد. مرکز مشاوره خانوادگی قبل از اینکه وجهه قانونی به خود گیرد سالیان متمادی در مراکز دانشگاهی و در حوزه های علمیه به صورت غیر رسمی فعال بود بعد از آن در بعضی از دانشگاه های معتبر و مراکز بهزیستی به صورت رسمی مراکزی تاسیس شد در سال ۱۳۵۳ قانون حمایت خانواده با توجه به اهمیت ویژه خانواده ها تصویب شد تا اینکه در سال ۱۳۹۱ قانون جدید حمایت خانواده در ماده های متعددی به این امر مهم پرداخته است که صلح صفا و سازش خانوادگی و عبور طلاق های توافقی از فیلتر مشاوره خانوادگی و خدمات روانشناختی می تواند به استحکام خانواده ها کمک شایانی نماید در عین حال نیاز به حمایت، بیشتر عملی و اجرایی در این امر خطیر وجود دارد و به طور کلی مراکز مشاوره خانواده بر سه پایه پیشگیری، درمان و بازتوانی عمل می کند. بر این اساس تحقیق حاضر درصدد برآمد تا وضعیت نیاز خانواده ها را در زمینه خدمات مشاوره ای بررسی نماید.

**واژه های کلیدی:** قانون جدید حمایت خانواده، مراکز مشاوره خانواده، طلاق های توافقی، مسائل روانشناختی.

#### مقدمه:

در اهمیت امر مشاوره (مراکز مشاوره) سخن سعدی کافیسست که میفرماید:  
**با یکی یا دو کس مشاوره کن**  
**کز یک آینه پیش رو نگری**  
**و از دو آینه پشت سر بینی**  
**در اموری که پر خطر بینی**

خدمات مشاوره‌ای یکی از ضرورت‌های زندگی امروزی است. خانواده‌ها و سایر افراد تحت پوشش آنها نیاز به آمادگی بیشتر روانی دارند تا توان تحمل استرس‌های ناشی از محیط کار، مأموریت‌های ویژه و از این قبیل را داشته باشند. گام اول در این جهت سنجش و ارزیابی نیازهای افراد و ساماندهی خدمات مشاوره‌ای در سازمان است. بر این اساس تحقیق حاضر در صدد برآمد تا وضعیت نیاز خانواده‌ها را در زمینه خدمات مشاوره‌ای بررسی کند. دومین منبع مشورتی در مسایل خانوادگی، متخصصان خدمات مشاوره‌ای هستند و عمده‌ترین مشکلات زندگی و خانواده‌ها برای دریافت خدمات مشاوره‌ای عبارت است از: مشکل روابط بین اعضای خانواده، تربیت فرزند و مسائل روانشناختی. همچنین بیشتر افراد خواستار وجود مراکز برای مراجعه و دریافت خدمات مشاوره‌ای بودند و نیز عمده افراد مورد بررسی در مراکز خدمات مشاوره‌ای برای خانواده‌ها و به کارگیری متخصصان مجرب در این مراکز را خواستار بودند. شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد اشخاص طی اعصار گذشته به دنبال رایزنی و مشاوره با کسانی بوده‌اند که به دانش، بصیرت یا تجربه برتر آنان اعتقاد داشته‌اند. در تمدن‌های اولیه، فلاسفه، شیوخ، افراد مقدس، مردان مذهبی و بزرگان دینی نقش رایزنی و مشاوره را بر عهده داشتند. انبیاء و بزرگان دینی از جمله در دین یهود و مسیحیت نقش اساسی در هدایت انسان داشتند و مردم علاوه بر مسایل دینی در امور زندگی و تصمیم‌گیری‌های روزمره نیز به آنها مراجعه می‌کردند. ظهور اسلام و دیدگاه همه‌جانبه آن به انسان به امر راهنمایی و مشورت دهی به انسان‌های نیازمند غنا بخشید. (حسینی، ۱۳۶۴). بر این اساس پیشنهاد می‌شود بررسی وضعیت نیازهای خدمات مشاوره‌ای کارکنان و خانواده‌ها و سایر افراد تحت پوشش و بررسی وضعیت موجود ارائه خدمات مشاوره‌ای و میزان اثر بخشی آنها جزو اولویت‌ها قرار گرفته و هرچندسال یک بار این موضوع مورد پژوهش قرار گیرد.

#### بیان مسأله

خانواده به عنوان نهادی بنیادین، نقشی حیاتی در سعادت اعضای آن و استواری پایه‌های جامعه ایفا می‌نماید؛ به طوری که اصل دهم قانون اساسی بیان می‌دارد که « همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. »  
بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به نظریات شورای نگهبان در غیر شرعی اعلام کردن بخشی از مقررات مربوط به حقوق خانواده به ویژه قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳، برخی موارد با خلاء قانونی روبرو گردید. از سوی دیگر متشتت بودن مقررات خانواده و معلوم نبودن ناسخ و منسوخ آنها موجب بروز مشکلات عدیده‌ای در حل و فصل دعاوی خانوادگی شد.  
در حال حاضر با توجه به قانون جدید حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ با وجود حمایت قانونگذار از مراکز مشاوره و اهمیت دادن به نظرات متخصصان و صاحب نظران رشته‌های مربوطه امید است که در روند خانواده‌های مشکل‌دار گشایشی حاصل شود و صلح و صفا و امنیت به کانون خانواده برگردد و همچنین طلاق‌های توافقی که امروز در کشور بسیار شایع شده است از فیلتر مراکز مشاوره خانوادگی عبور کرده تا از گسستن و از هم پاشیدن بدون دلیل خانواده‌ها جلوگیری شود.

#### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد مراکز مشاوره خانوادگی باعث صلح و سازش و صمیمیت خانواده‌ها شده است.
- ۱- به نظر می‌رسد مراکز مشاوره خانوادگی باعث کاهش طلاق‌های توافقی گردیده است.
- ۲- به نظر می‌رسد مراکز مشاوره خانوادگی باعث کاهش جرائم فرزندان طلاق شده است.

### روش‌شناسی تحقیق

مجموعه ابزارها و راه‌هایی که وصول به نتیجه و غایتی را نسبت به موضوع خاص ممکن می‌سازد را تحقیق گویند. تحقیق به روش‌های گوناگون تقسیم می‌شود که روش‌های مختلف میدانی تاریخی، تکوینی، قیاسی، تجربی و خصوصیات جامعه مورد نظر با موضوع مورد علاقه است.

روش و شیوه کار ما در این پژوهش توصیفی، تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتاب‌خانه‌ای. اعم از کتب، مقالات و نشریات در این خصوص و همچنین تجزیه و تحلیل دکتترین‌ها و استفاده از آنها در این پژوهش و در قسمت‌هایی استفاده از رویه‌ها و احکام دادگاه است. در استفاده از منابع چون قواعد عمومی قراردادها جعفری لنگرودی، کاتوزیان، صفایی ابتدا مطلب مربوطه به دقت مورد مطالعه و آنگاه آن چه قابل استفاده و انعکاس در این نوشتار خواهد بود یادداشت برداری و سپس یادداشت‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بعد در متن اصلی قید خواهد شد.

در این پژوهش سعی بر آن است که با بیان مباحث مورد اختلاف در موضوع تحقیق و بررسی کتب، مقالات، رویه قضایی، دکتترین، مسائل به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت در هر مسئله پاسخی ارائه شود که با مبانی حقوق ما و ضرورت‌های این عصر متناسب باشد.

### پیشینه تحقیق در خارج:

دینک مایر به پیروی از روانشناسی فردی آدلر معتقد است مشاوره رابطه‌ای حسنه بین مراجع و مشاور است که در آن مراجع به بررسی هدفهای زندگی اش می‌پردازد و شناخت توانها و محدودیت‌هایش موفق می‌شود و با کمک مشاوره، نحوی برقراری رابطه‌ی سالم و سازنده با اطرافیان و ارضای منطقی نیازهایش را یاد می‌گیرد (شفیع آبادی - ۱۳۸۳).

مشاوره عبارت است از رابطه‌ی رویاروی و مستقیم بین مشاور و مراجع که هدف آن کمک مراجع در سازگاری موثر با خود و محیط خویش است (نوایی نژاد - ۱۳۷۳).

پنکی، که روش طبی را برای مشاوره ارائه می‌دهد معتقد است ابتدا باید مشکل مراجع با دقت تمام تشخیص داده و سپس به درمان آن مبادرت شود. به نظر او مشاوره، فعالیتهای تخصصی است که به درمان مشکلات عاطفی نسبتاً سطحی، که علل جسمانی ندارند می‌انجامد. (شفیع آبادی - ۱۳۸۳).

مشاوره نوعی روان‌درمانی از گونه‌ی حمایتی یا باز پروری است که برای کمک به حل مشکلات شغلی، مدرسه‌ای، زناشویی افراد و نیز برای حل مشکلات دیگری که در ردیف بیماریهای روانی قرار نمی‌گیرند به کار می‌رود (کمیل، ۱۹۸۱: به نقل از ساعتچی ۱۳۷۷).

به نظر پالمر، در دهه‌ی ۱۹۷۰ مشاوره همانند فعالیتی جدید در انگلستان به اوج شکوفایی خود رسید. مشاوره همچون یک روش درمانی، فعالیت تخصصی آگاهانه و قانونمندی است که در آن فرد آموزش دیده‌ای به نام مشاور با تاکید بر نقش حمایتی و اجتناب از قضاوت درباره‌ی مراجع، به حل مشکل او می‌پردازد. مشاوره بر برقراری ارتباط، گوش دادن فعال و بهره‌گیری از مهارتهای مختلف مشاوره‌ای استوار است (شفیع آبادی - ۱۳۸۳).

بنا به بررسیهای گاستاد، در تعریف‌هایی که از مشاوره به عمل آمده است سه خصیصه‌ی مشترک در آنها وجود دارد: شرکت کنندگان، که معمولاً دو نفرند: یکی مشاور و دیگری مراجع؛ هدف، که معمولاً متوجه کمک به سازگاری، کارآمدی و سعادت فرد است و یادگیری که در پویش مشاوره‌ای مورد تاکید می‌باشد. (شریفی و حسینی - ۱۳۷۰).

به نظر استفلر و گرانت، مشاوره رابطه‌ی تخصصی و یاورانه‌ی فردی یا گروهی است که مراجع با کمک مشاور، از طریق خود شناسی می‌تواند تصمیم مناسب و معقولی اتخاذ کند و هماهنگ با استعدادها و رغبت‌هایش به زندگی سالمی ادامه دهد (شفیع آبادی - ۱۳۸۳).

**مفهوم و اهمیت خانواده:**

ازدواج و نهاد خانواده در تمام اعصار و جوامع امری مقدس بوده است. بطوری که همواره پیوند و انسجام خانواده در جامعه مورد حمایت قرار می گرفت. در تمام ادیان ازدواج بعنوان امری میمون مورد تاکید قرار گرفت. از این رو ازدواج همواره راحت گرفته شده در حالی که طلاق و جدائی زوجین از یکدیگر بسیار سخت و گاهی غیر ممکن بوده است. بطوری که هنوز طلاق در برخی از جوامع تا سالهای اخیر غیر قانونی محسوب می شد. در عین حال مطالعه خانواده در جوامع امروزی نشان می دهد که خانواده های امروزی با چالش های فراوانی در درون روبرو هستند؛ کودک آزاری، همسر آزاری، خشونت خانوادگی و طلاق نمونه های متداولی از آسیبهای خانواده های امروزی است. همین مسائل است که آسیب شناسی خانواده را در عصر حاضر ضروری می سازد. طلاق که انحلال قانونی، شرعی و عرفی ازدواج تحت شرایط و مقررات خاص است یکی از متداول ترین مسائل خانواده در جوامع امروزی است بطوری که در بسیاری از جوامع آمار طلاق رقم بالایی را نشان می دهد.

**طلاق به عنوان مساله ای اجتماعی:**

جامعه شناسان معمولاً مساله اجتماعی را وضعیت اظهار شده ای می دانند که با ارزش های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد بنابراین معیارهای مساله اجتماعی عبارت است از: ۱- وضعیت اظهار شده ۲- مغایرت با ارزش ها ۳- شمار مهمی از مردم ۴- نیاز به اقدام (رابینگتن؛ ۱۳۸۳: ۱۲)

ویلیام سون و همکارانش مشکل اجتماعی را اینگونه تعریف کرده اند که مشکل اجتماعی موقعیتی است که بیشتر مردم آن را غیرمطلوب تلقی می کنند و بر زندگی بسیاری در فرآیند کنش اجتماعی بطور مستقیم و غیر مستقیم اثر می گذارد و بیشتر مردم آن را احساس می کنند و درخواست حل آن را دارند (سون به نقل از آزاد؛ ۱۳۷۷، ص ۱۹) بنابراین با توجه به تعاریف بالا از مساله اجتماعی مشخص خواهد شد که مساله اجتماعی وضعیت نامطلوبی است که بر تعداد زیادی از افراد چه بطور مستقیم و چه بطور غیر مستقیم تاثیر گذاشته و همین مساله سبب می شود که افراد جامعه تمایل به حل آن را از خود نشان دهند.

**بررسی طلاق در ایران**

۱- خانواده مهمترین و اصلی ترین واحد اجتماعی است که همواره در طول تاریخ وظایف مهمی را در قبال جامعه به انجام رسانده است اگر مطالعه ای در تاریخ ادیان صورت گیرد مشخص خواهد شد که تمام ادیان دستورات اکیدی برای حفظ انسجام و ثبات خانواده برای پیروان خود صادر کرده اند. بر این اساس است که ازدواج و پیوند زناشویی در تمام جوامع مقدس بوده و موانع فراوانی برای گسست این پیوند از طرف جامعه برای افراد وضع شده است در اسلام نیز قواعد و شرایط سختی برای جدایی افراد از یکدیگر وضع شده است در جامعه ایرانی همواره نسبت به پدیده طلاق به دید منفی نگاه شده است. امروزه هر چند طلاق نسبت به گذشته در جامعه عمومیت بیشتری پیدا کرده است اما دیدی که کلیت جامعه ما نسبت به طلاق دارد تغییر چشمگیری نداشته است و بر خلاف جوامع غربی که تقریباً با طلاق کنار آمده اند در جامعه ایرانی طلاق با دیدی انحرافی و ضد ارزش نگاه شده و مطلقین را بعنوان محکومی که مقوله ای ارزشی به نام خانواده را زیر پا گذاشته در نظر می گیرند و این تصویری است که اکثریت جامعه نسبت به طلاق دارند.

۲- طلاق از جمله پدیده های اجتماعی است که وقوع آن نه تنها تأثیرات نامطلوبی به مطلقین وارد کرده بلکه تأثیرات حتی ناگوارتری برای فرزندان، اطرافیان و حتی جامعه به همراه دارد. تأثیرات نامطلوب روانی، اقتصادی، اجتماعی طلاق بر زن و مرد طلاق گرفته با مراجعه به حتی یکی از آنها به آسانی آشکار می شود. این تأثیرات که بیشتر متوجه زنان در جامعه ماست زندگی را بر آنها دشوار می کند مشکلات درآمدی، اقتصادی و بی سرپناهی عمدتاً متوجه زنانی است که بیشترشان خانه دار بوده و درآمدی نیز ندارند این مسائل و مساله نگهداری از فرزندان که بعد از طلاق والدین بیشتر با مادر زندگی می کند مسائل دیگر روانی و اجتماعی (چون دلتنگی، یاس و ناامیدی، بی اعتمادی، بی مسئولیتی و انحرافات اخلاقی) را برای زنان طلاق

گرفته بوجود می آورد که تحملش را برای آنها دشوار می کند. این تاثیرات نامطلوب کم و بیش برای مردان نیز وجود دارد هر چند که مردان در جامعه ما از موقعیت بهتری نسبت به زنان بعد از طلاق برخوردارند. مثلاً در جامعه ما مردان راحت تر از زنان بعد از طلاق به ازدواج مجدد دست می زنند و مشکلات اقتصادی کمتر نسبت به زنان دارند به هر حال مردان نیز کاملاً از مشکلات روانی اجتماعی و حتی اقتصادی بعد از طلاق رهایی نمی یابند.

### طلاق در ادیان مختلف:

آنچه که در بررسی طلاق آشکار می شود تفاوت دیدگاه های ادیان و مذاهب مختلف در مورد وقوع امر طلاق می باشد. مسیحیت، یهود، زرتشت و اسلام در قبول طلاق و شرایط ایجاد طلاق بین طرفین دارای دیدگاهها و تفاوت‌هایی می‌باشند بطوری که برخی از این دیدگاهها پیامدهایی نیز برای پیروان این ادیان در پی داشته است. بعد از آنکه دین مسیحیت بعنوان دین پذیرفته شده اروپائیان محسوب گردید تاثیرات خود را بر بخش های مختلف زندگی افراد گذاشت. یکی از این تاثیرات «- اصل غیر قانونی بودن طلاق» در زندگی خانوادگی بوده است. بطوری که با مطالعه قوانین حقوقی اروپا روشن خواهد شد که تا اواخر قرن نوزدهم تقریباً در تمام اروپا طلاق رسماً ممنوع بوده است و تنها از این تاریخ به بعد بوده است که برخی از کشورها تنها در برخی شرایط علی رغم مخالفت کلیسا طلاق را امری قانونی دانستند. تا جایی که امروزه تقریباً تمامی کشورهای اروپایی طلاق را امری قانونی دانستند. در عین حال در مذاهب سه گانه مسیحیت (کاتولیک، ارتدوکس، پروتستان) طرز تلقی های متفاوتی درباره طلاق وجود دارد. مذهب کاتولیک طلاق را بطور جزم حرام می‌داند و تحت هیچ عنوانی حتی در صورت خیانت زن و شوهر پیوند زناشویی را قابل انحلال نمی‌داند و تنها راهی را که اصحاب کلیسا در صورت خیانت در پیمان زناشویی پیشنهاد می‌کند این است که می‌تواند « تفرقه جسمانی » بین آن دو برقرار شود یعنی جدا از یکدیگر زندگی کنند و آندو از قیام بواجبات مورد عفو قرار می‌گیرند در حالیکه قانوناً زن و شوهر می‌باشند و آثار زوجیت بین آن دو بازرست اما در مذهب ارتدوکس و پروتستان طلاق را در موارد نادری جایز می‌دانند از جمله در مورد خیانت در زناشویی (حقانی، ۱۳۷۴، ۱۴-۱۳).

### عوامل موثر بر طلاق :

تحقیقات و بررسی های انجام شده عوامل متعدد و متفاوتی را برای ایجاد طلاق بیان کرده اند چرا که عامل طلاق با توجه به نوع جامعه و خانواده ای که در آن اتفاق می افتد می تواند متفاوت باشد هر فردی با مطالعه طلاق پی به پیچیدگی آن خواهد برد. بدین معنی که گاهی تنها یک عامل را می توان دلیل بر طلاق افراد دانست و گاهی نیز عوامل متعددی دست به دست هم داده تا دو فرد پیوند زناشویی خود را با یکدیگر ادامه ندهند. در عین حال عوامل متعددی که باعث طلاق بین افراد می شوند در بسیاری از خانواده ها مشاهده می شود اما به دلایلی زوجین به زندگی با یکدیگر ادامه می دهند. ساموئل کینگ ضمن بیان تحول خانواده و توضیح میزان طلاق در جوامع امروزی، اختلاف فرهنگی، ناسازگاری های جنسی، کشمکش های مالی، اختلافات اخلاقی، احساس نارضایی، تقصیر، ناراحتی و کشمکش ها و ناسازگاری های داخلی را بعنوان عوامل موثر بر طلاق بیان می کند (کینگ، ۱۳۴۹، ص ۱۶۹-۱۶۶).

### پیامدهای طلاق :

بسیاری بر این عقیده اند که طلاق « فاجعه » بوده و پیامدهای وخیمی برای افراد و جامعه بر جای خواهد گذاشت بیشتر ماها زمانی که صحبت از طلاق به میان می آید عمدتاً به عواقب ناگوار و منفی طلاق توجه داریم. چرا که در نتیجه طلاق زندگی زناشویی افراد از هم گسسته و اعضای خانواده با مشکلات عدیده ای روبرو خواهند شد. اما باید توجه داشت که طلاق در بسیاری از موارد می تواند بعنوان راه حل و درمان دردی تلقی شود که ممکن است با تداوم آن عواقب ناگوارتر از طلاق را به همراه داشته باشد چرا که در بسیاری از موارد مشاهده شده است که تداوم زندگی زناشویی نامطلوب و نابسامان به مسائلی چون قتل، شکنجه های روحی و جسمی، بیماری و مسائل دیگر منجر شده است.

**تأثیرات طلاق بر زوجین :**

به نظر می رسد شروع طلاق از اختلاف بین زن و مرد و در نهایت جدایی بین آنها باشد این مساله برای دو فردی که مدت زمان زیادی با هم زندگی کرده اند وحتى صاحب فرزند شده اند مشکلات زیادی را به همراه خواهد داشت. مهمترین مشکلی که پدر و مادر پس از جدایی با آن روبرو هستند احساس شکست و ناکامی است چون والدین بر این گمانند که ایشان مسبب « بدبختی فرزندان » خود شده اند این احساس گناه بدون استثنا در همه پدر و مادرها حتی آنان که سهمی در جدایی نداشته اند مشاهده می شود . با کمال تاسف بیشتر پدر و مادرها جو حاکم بر اجتماع را که نسبت به همسران طلاق گرفته دید انتقاد آمیزی دارد عملاً می پذیرند . ( تاییر ؛ ۱۳۷۲، ۳۴) در عین حال به این موارد می توان موارد دیگری چون بی توجهی نسبت به فرزندان ، ناامیدی ، اضطراب ، دلتنگی ، بی حوصلگی و احساس شکست را اضافه کرد .

**تأثیرات طلاق بر فرزندان :**

جدائی پدر و مادر چه آثار سوئی در تکامل فرزند می گذارد . برخی از پیامدهای بد طلاق بر کودکان از منظر خود آنان مشخص شده است. این پیامدهای ناگوار عبارتند از: ناراحتی از عدم تفهیم و تفاهم ها، اشکال در ایجاد روابط پایدار با دیگران احساس اندوه مداوم ، تاثیر بد در تحصیل احساس عدم امنیت، عدم اعتماد به نفس ، کاهش تعداد اقوام و آدمهای مهم ، علائم جسمانی، افسردگی و مشروبخواری زیاد . (والچاک و برنز؛ ۱۳۶۶ : ۱۸۰) اغلب پس از جدایی پدر و مادر دچار افسردگی شدید می شوند واکنش پسرها معمولاً از دخترها شدیدتر است . هرچه سن این بچه ها زیادتر می شود احساس غم و افسردگی جای خود را به خشم و خشونت می دهد پس از جدایی والدین واکنش های خشم آلودی از خود نشان می دهند پسرها از بازدید و ملاقات با پدر استقبال نمی کنند کارکرد آنها در مدرسه پایین می آید جوانان در مقایسه با خردسالان سازش پذیری بیشتری نسبت به مساله طلاق نشان می دهند شاید به این دلیل باشد که در این سن نوجوانان استقلال بیشتری پیدا می کنند و ارتباط نزدیکی با والدین ندارند آشکارا به محبت و راهنمایی کمتری خود را نیازمند می بینند ( تاییر : ۱۳۷۲ : ۴۱-۳۹)

**تأثیرات طلاق بر جامعه**

خانواده قدیمی ترین و با دوامترین نهاد جامعه محسوب می شود. و اگر به تاریخ اجتماعی مراجعه شود مشخص خواهد شد که نهادهای دیگر موجود در جوامع امروزی در خانواده ریشه دارند. از این رو جایگاه خانواده بر کسی پوشیده نیست. هرچند امروزه برخی از کارکردهای این نهاد توسط نهادهای دیگر انجام می شود اما هنوز خانواده بعنوان تنها ابزار تجدید و ازدیاد نسل از جایگاه بالایی در تمام جوامع و کشور ما برخوردار است. علاوه بر این خانواده بعنوان یکی از نهادها اولیه از کارکرد آموزشی و تربیتی برخوردار است. بنابراین این با توجه به جایگاهی که نهاد خانواده در درون جامعه دارد اهمیت طلاق بعنوان عاملی که باعث فروپاشی خانواده می شود مشخص می شود. بنابراین طلاق بعنوان یکی از مهمترین عواملی است که سبب گسست خانواده و پیامدهای ناگوار آن برای جامعه می شود.

**طلاق بعنوان یک چالش زندگی شهری**

استدلال این بخش آن است که طلاق در کنار مسائلی چون بیکاری ، مسکن ، تورم و دیگر مسائل چالشی شهری است تا روستائی. این بدان معنی نیست که در روستا طلاقی صورت نمی گیرد و یا طلاق در روستاها پیامدی ندارد بلکه مساله این است که عمومیت طلاق در شهرها بخصوص شهرهای بزرگ بیشتر از روستاها بوده و پیامد طلاق نیز در شهرها بسی ناگوارتر از آن در روستاهاست . از این رو این بخش بر این استدلال است که به دو دلیل اساسی عمومیت بالای طلاق و پیامدهای ناگوارتر طلاق در شهرها بعنوان چالشی شهری است تا روستائی. در زیر به توضیح مفصل تری از این دو موضوع پرداخته می شود.

**دوره رسانس:**

آغاز رنسانس شروعی برای تدوین خدمات علمی به شمار می رود که امر مشاوره نیز از این وضع مستثنا نبود. خدمات مشاوره ای و روان درمانی آخرین علمی بود که به جرگه علوم پیوست. بنابراین آغاز فصل جدید از موضوع مشاوره را می توان در قرن بیستم دید. در حال حاضر خدمات مشاوره ای مجموعه ای از تخصص ها، متشکل از مشاوره، روان درمانی، روانپزشکی و مددکاری است. این تخصص ها با پشتوانه ای افزون بر ۱۵۰ رویکرد و نظریه در حال توسعه هستند. خدمات مشاوره ای تلاش دارد تا تمامی ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد را مورد مطالعه قرار داده و به نیازمندان یاری رساند. (احمدی، ۱۳۷۴).

**مشاوره در ایران:**

سراغاز خدمات مشاوره ای در ایران را می توان مربوط به سال ۱۳۳۲ دانست. در اینسال با کمک وزارت کار و سازمان صنایع کشور و هیئت عمران بین المللی طرحی برای انتخاب و انتصاب های صحیح پی ریزی شد. به دنبال آن در سال ۱۳۳۴ در اداره مطالعات و برنامه ریزی آموزش و پرورش دایره تحقیقات روانشناسی به وجود آمد که تهیه و استانداردسازی برخی تست های هوش و سنجش روانی مبادرت نمود. از اواخر دهه ۱۳۶۰ به دلیل تحول اجتماعی و نیاز جامعه به ویژه تأثیرات جنگ تحمیلی، افزایش تعداد دانش آموزان، بالا رفتن آمار جوانان، افزایش فشار روانی و توجه جدی به تربیت فرزند به تدریج مراکز برای ارائه خدمات مشاوره ای بخصوص در شهرهای بزرگ تشکیل شد. خدمات مشاوره ای در ایران از سال ۱۳۷۴ ساماندهی شد. تلاش برای ایجاد شورای هماهنگی خدمات مشاوره ای و نظام خدمات مشاوره و روانشناسی از مهم ترین این اقدامات است (حسینی، ۱۳۶۴). از آنجایی که قرن حاضر، قرن استرس و فشار روانی است. بنابراین خدمات مشاوره ای یکی از ضرورت های زندگی امروزی است (شفیع آبادی). خانواده ها به دلیل درگیر بودن با زندگی روزمره، استرس مضاعفی را تحمل می کنند و بنابراین بیشتر در معرض آسیب قرار دارند. بر این اساس ارائه خدمات مشاوره ای در چنین جامعه ای بیشتر ضرورت دارد. تقریباً خانواده ها به طور مستقیم نیاز به مشاوره زناشویی دارند و عمده ترین نیاز آنها در زمینه آموزش روش های حل تعارض است (احمدی، ۱۳۸۲). بر اساس این ضرورت ها و نیز مطابق پیشرفت هایی که تا کنون در خدمات مشاوره ای صورت گرفته است، ضرورت ساماندهی خدمات مشاوره ای مطرح است و لازمه ساماندهی شناخت وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب است.

**پیشینه دفاتر مشاوره در ایران:**

نیز مشاوره ابتدا در حوزه ای خاص و به صورت کاملاً تک بعدی آغاز شد. سال ها پس از بدل شدن راهنمایی و مشاوره به گزاشی آکادمیک و حرفه ای تخصصی در جهان، اولین مراکز مشاوره در ایران توسط مدارس و با هدف ارائه مشاوره تحصیلی تأسیس شدند. بدین ترتیب درحالیکه اولین مراکز و دفاتر مشاوره در آمریکا و بسیاری از نقاط جهان با هدف ارائه مشاوره های شغلی راه اندازی شد، نخستین نمونه های آن در ایران از سال ۱۳۳۲ و به منظور ارائه مشاوره های تحصیلی و آموزشی شکل گرفت. برنامه های مشاوره ای تحصیلی در ایران از سال ۱۳۳۲ به صورت غیرمتمرکز آغاز شد و با روشن شدن ضرورت ارائه راهنمایی های تحصیلی در مدارس، عده ای از کارشناسان وزارت آموزش و پرورش در جهت تحصیل و تحقیق در مسائل راهنمایی به خارج از کشور اعزام شدند و بدین ترتیب مقدمات گشایش دفتر برنامه ریزی راهنمایی تحصیلی و اجرای برنامه راهنمایی آموزشی در سال ۱۳۳۸ فراهم شد. با این وجود به دلیل عدم تأسیس رشته روانشناسی به عنوان رشته ای مستقل تا آن زمان، متولیان امر مشاوره در مدارس عموماً از دانش آکادمیک این کار بی بهره بودند و از اینرو تنها به راهنمایی تحصیلی و برطرف نمودن برخی مشکلات آموزشی اشتغال داشتند. حال آنکه با راه اندازی رشته روانشناسی به عنوان دانشی مستقل از فلسفه و علوم تربیتی، مقدمات گسترش خدمات روانشناختی و مشاوره به سایر گروه های اجتماعی و دیگر حوزه های زندگی فردی نیز در حال مهیا شدن بود. بدین ترتیب اگرچه حرفه ای مشاوره و راهنمایی در نخستین سال های ورودش به ایران صرفاً در حوزه برنامه ریزی آموزشی و برای دانش آموزان به کار گرفته شد، با رشد دانش روانشناسی و شتاب گرفتن تغییرات

اجتماعی می‌توانست در دیگر حوزه‌ها نیز به خدمت گرفته شود. در دهه ۴۰ شمسی، دوره کارشناسی (لیسانس) روانشناسی نخست در دانشگاه تهران و بعدها در سایر دانشگاه‌ها تدریس شد و در ادامه مرکز مشاوره دانشگاه تهران با تلاش اساتیدی همچون دکتر سعید شاملو در سال ۱۳۴۴ تأسیس گردید. در حقیقت نخستین مراکز مشاوره به صورت کنونی آن در دانشگاه‌هایی که رشته روانشناسی در آن تدریس می‌شده و توسط اساتید آن شکل گرفته است. از آن پس سنت تشکیل مراکز مشاوره در دانشگاه‌های کشور ادامه یافت و مراکز مشاوره‌ی روانشناختی در دانشگاه‌های متعددی تأسیس شد. نشریه: (روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۴).

پس از تأسیس مراکز مشاوره در برخی دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش نیز به فکر تأسیس مراکز مشاوره‌ای خارج از محیط مدارس افتاد که بیشتر بر اختلالات یادگیری و رفتاری دانش‌آموزان و مشکلات خانواده‌ها متمرکز بود. افزایش شمار فارغ‌التحصیلان رشته روانشناسی و تدریس گرایش‌های مختلف آن در کنار تغییرات شتابان اجتماعی که نیاز به خدمات روانشناسی را دوچندان کرده بود، منجر به تأسیس مراکز مشاوره دولتی در کشور شد که زیر نظر وزرات آموزش و پرورش فعالیت داشتند. مرکز مشاوره و راهنمایی خانواده در منطقه ۱۰ تهران که به سال ۱۳۷۲ تأسیس شد نخستین نمونه از این دست مراکز است. پس از آن در سال ۱۳۷۵ شورای عالی جوانان (که بعدها به سازمان ملی جوانان تغییر یافت) طبق مندرجات اساسنامه‌اش که در سال ۱۳۷۱ به تصویب رسیده بود، رسیدگی به نحوه‌ی ارائه خدمات روانشناختی و ارتقاء وضعیت عاطفی و روانی جوانان را در دستور کار قرار داد. این شورا در همین سال با کمک عده‌ای از صاحب‌نظران، اساتید و کارشناسان مشاوره و روانشناسی کشور مبادرت به تشکیل شورای هماهنگی مراکز خدمات مشاوره‌ای جهت سیاست‌گذاری و تأسیس مراکز خدمات مشاوره‌ای نمود و پس از بررسی‌های علمی و انجام مصاحبه‌های تخصصی، به ارائه مجوز اقدام کرد. در سال ۱۳۷۸ و با ارتقاء این شورا به سازمان، این مسئولیت به سازمان ملی جوانان انتقال یافت و پس از ادغام این مؤسسه با سازمان تربیت بدنی، به سازمان ورزش و جوانان واگذار شد. داستان اما به همین جا ختم نشد و سازمان بهزیستی نیز به فکر صدور مجوز برای تأسیس مراکز مشاوره افتاد. بر اساس بند ۶ ماده ۲۶ قانون مصوب ۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی، صدور پروانه فعالیت برای ایجاد مراکز خدمات مشاوره اجتماعی بر عهده سازمان بهزیستی کشور قرار داده شد. آنچنان که در "اصلاحیه دستورالعمل تأسیس اداره و انحلال انواع مراکز مشاوره" موجود در سایت سازمان بهزیستی آمده این دستورالعمل بر مبنای طرح شبکه ارتقای سلامت روان اجتماع نگر تعریف شده است. افزایش دسترسی مردم به خدمات مشاوره‌ای و روانشناختی و نیز بهره‌وری از ظرفیت‌های تخصصی و نیمه تخصصی موجود در جامعه است. (نشریه: روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۴).

## مشکلات خانواده‌ها

### ناآگاهی اعضای خانواده

گاهی اعضاء خانواده وظیفه خود را نمی‌دانند و از نقش خویشتن و موقعیت خود در خانه آگاهی ندارند. آنان به مراحل مختلف رشد کودکان و نوجوانان آشنا نیستند و رفتار مناسبی با فرزندان خود ندارد. (سنتیر، ۱۹۷۲).

### ارتباطات نادرست

گاهی پیامی که اعضاء برای یکدیگر می‌فرستند روشن نیست. پیامهایی که مشکل آفرین است ممکن است به صورتهای زیر باشد:

#### الف - سرزنشگر

در این صورت عضو خانواده ایرادگیر و خودکامه است. مثل بالا دستها رفتار می‌کند. صدای خشن دارد و صحبت‌هایش نیش دار است.

#### ب - حسابگر

این عضو همه کارهایش منظم و صدایش یکنواخت است. مثل اینکه احساس ندارد. می‌توان او را با ماشین حساب و کتاب لغت مقایسه کرد. همه چیز را زیر ذره بین می‌برد و رفتار دقیق را می‌طلبد.



**ج - سازشگر**

این عضو همواره جلب توجه می کند و خو شیرین است. فرد بله قربان است. طوری رفتار می کند که گویی همواره به دیگران نیاز دارد.

**د - گیج کننده**

این عضو هرگز جواب درستی نمی دهد. حرفهایش نامربوط است و مقصود خود را درست بیان نمی کند. (بلامر، ۱۹۸۹).

**چالش های خانوادگی و خانواده درمانی:**

مسیر کلی در خانواده درمانی معمولاً بدین صورت است که یکی از والدین با نگرانی فرزند نشانه دار خویش را نزد مشاور یا درمانگر خانواده می آورد، درمانگر هم سعی می کند تمام افراد خانواده را به انجام برساند. منتهی درکنارگر در مسیر مداخلات درمانی با مقاومت‌های آگاهانه و ناخودآگاهانه از طرف افراد مختلف خانواده مواجه می شود. پدر معمولاً در موضعی دور و بی تفاوت و بدون تقصیر می ایستد، فرزند موضعی مقاوم نسبت به تغییر نشانه یا رفتار خویش می گیرد و والدین سعی در پنهان کردن مشکلات زناشویی خویش می کنند. چنین شرایطی درمانگر را مجبور به اتخاذ روش می نماید که بی شباهت به آکروبات بازی نیست او با چالشهای متفاوتی روبروست که هر کدام را باید با ظرافت، هوشیاری و اندیشمندی و مهارتهای درمانی تسخیر نماید. مقاله در انتها تدبیراتی برای غلبه بر این مقاومتها و چالشها ارائه می دهد. اهمیت شنونده خوبی بودن، اتحاد درمانی با تک تک افراد خانواده و بخصوص با عضو قوی خانواده، نحوه مداخلات ساختاری (مثلث زدایی، مرزسازی)؛ و اهمیت زوج درمانی به عنوان مرحله آخر و بسیار مهم خانواده درمانی، به بحث کشیده می شود (مرادی، ۱۳۷۷، ص ۹۹).

**اول ماجرا:** معمولاً شروع هر برنامه خانواده درمانی به این صورت است که مادر خانواده، فرزند نشانه دار خویش را نزد مشاور خانواده می آورد و با ذکر مقدمه و تاریخچه، اساساً این پیغام را به مشاور می دهد: «این بچه جان مرا به لبم رسانیده، دیگر نمی دانم چه کنم! این شما و این هم بچه. درستش کنید». بنابراین، آنچه که معمولاً مشاور یا خانواده درمانگر با آن مواجه می شود یک کودک یا نوجوان نشانه دار است. معمولاً شرایط خاصی حکمفرماست: مادری شاک، عاصی و تا حدی افسرده داریم. پدری در حاشیه، یا حاشیه ای و کنترل کننده یا در مرکز و کنترل کننده، ولی در هر صورت به طور معمول بی تفاوت یا مخالف با مشاوره یا روان درمانی؛ و فرزند ظاهراً بی تفاوت نسبت به نشانه مرضی یا ناراحتیهای خویش. چنین خانواده هایی وقتی سرانجام وارد دفتر مشاور یا درمانگر خانواده می شوند، معمولاً در وضعی هستند که دیگر به تنهایی قادر به تحمل فشارهای روانی داخل خانه نیستند. کارآیی متعادل کننده نشانه های مرضی فرزند برای خانواده از بین رفته و مثلث سازی کودک به بحران رسیده است (مینوچین، ۱۹۷۴).

**آخر ماجرا:** ماجرای که شروع آن با یک والد عاصی است که مشکل را فرزند خود می داند، به جایی ختم می شود که همان والد حالا به عنوان یک همسر روبروی زوج خویش قرار گرفته و با یکدیگر بدون حضور آن کودک مشکل دار در جلسات زوج درمانی شرکت می کنند. در این مرحله، آنها پذیرفته اند که خودشان مشکل اصلی اند.

**موقعیت حقوقی بچه های طلاق در ایران**

وکلا دادگستری ایران بنا بر تکالیف و وظایفی که شغل وکالت به عهده آنان گذاشته است بچه های طلاق را جز در دادگاهها، دادسراها و کلانتری ها نمی بینند، بچه های طلاق در ازدحام و انبوه مراجعین مراکز انتظامی و قضایی کشور در موقعیت خاصی به سر می برند. زیرا نه شاک هستند - نه متهم. فقط وسیله و ابزاری هستند در دست افراد دو خانواده زن و شوهر جدا شده که از وجود آنها برای ادامه کشمکشهای گذشته و قدرت نمایی های که مربوط به آینده حداکثر بهره برداری را می کنند. بچه های طلاق حتی اگر هنوز پایشان به کلانتری و دادگستری باز نشده باشد به عنوان «ابزار» مورد سوءاستفاده قرار می گیرند و در بسیاری موارد پدر و مادری که سنگ دلسوزی آنها را به سینه می زند و جنجال براه می اندازند و احياناً طرح دعوی می کند انگیزه ای جز ادامه نبردهای دیرینه و کینه ریزی و انتقامجویی از زن یا شوهر سابق خود ندارند. بچه های طلاق در

محاکم دادگستری، و حتی در برخوردهای اولیه با مددکاری اجتماعی، نقش های ناخواسته ای را در تأیید خواست و سلیقه پدر یا مادر بازی می کنند. آنها گاهی دست در دست مادر و جدۀ مادری دارند و ناگزیر در برابر مراجع قضایی علیه پدر و خانواده او به کار گرفته می شوند و گاهی دست در دست پدر و جدۀ پدری دارند و ناگزیر در برابر مراجع صالحه قضایی علیه مادر و خانواده او ابراز نظر می کنند.

### موانع اعمال حق حضانت

به تعریف ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگاهداری و حضانت اطفال هم حق و هم تکلیف پدر و مادر است. حق است زیرا والدین بمناسبت نسبتی که با طفل دارند بیش از هر کس دیگر با او نزدیک بوده و در نگهداری طفل بر هر شخص دیگری مقدم هستند و کسی نمی تواند بدون مجوز قانونی این حق را نادیده انگاشته و به آن تجاوز کند. و اما تکلیف است زیرا پدر و مادری که فرزندی را بدنیا آورده اند در قبال طفل مسئول بوده و مکلف به انجام وظایفی هستند که اهم آن «حضانت» است. گاه پیش می آید که در اثر عارضه یا حادثه ای حق حضانت سلب می شود یعنی کسی که بموجب قانون حق داشته و مکلف بوده که از کودک سرپرستی کند صلاحیت خود را از دست می دهد و در این حالت قانون برای حفظ منافع کودک پا پیش گذاشته و به افرادی که صلاحیت خود را از دست داده اند اجازه نمی دهد که از کودک نگاهداری کنند و ما از آنها بعنوان «موانع اعمال حق حضانت» یاد کرده و بشرح زیر طبقه بندی می کنیم اما بایستی توجه داشت که پس از اعاده و رفع موانع، حق حضانت مجدداً برقرار می گردد. فرضاً اگر مادری بعلت ابتلاء به بیماری مسری از قبیل سل شایستگی نگهداری کودک خردسال خود را از دست دهد، پس از درمان و رفع خطر سرایت بیماری می تواند مجدداً از کودک خود نگاهداری نماید.

موانع اعمال حق حضانت بشرح زیر عبارتست از:

اولاً جنون هر گاه مادر در مدتی که حضانت طفل با او است (پسر و دختر هفت سال) مبتلا به جنون شود طبق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی حق حضانت با پدر خواهد بود، زیرا در این حالت مادر قادر به نگهداری و تربیت طفل نخواهد بود و چه بسا که او را در وضعیت خطرناکی قرار دهد بنابراین با وجود چنین مانعی پدر تنها فردی است که حق حضانت فرزندش را خواهد داشت. ثانیاً - ازدواج مادر - هر گاه نکاح بین والدین در اثر طلاق یا فسخ منحل شود و مادر عهده دار حضانت طفل خود شود و سپس شوهر دیگری اختیار نماید طبق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی حق حضانت او از بین می رود و پدر می تواند طفل خود را حضانت کند.

آنچه که گفته شد در صورتی است که پدر زنده باشد والا در صورت فوت پدر، ازدواج مجدد مادر با توجه بصراحت ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی باعث از بین رفتن حق حضانت مادر نمی گردد.

### حضانت (نفقه)

نگاهداری طفل مستلزم پرداخت مخارجی است که قانون مدنی به آن «نفقه» می گوید. نفقه طبق تعریف ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی عبارتست از «مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت بقدر رفع حاجت و با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق». ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نیز مقرر می دارد: «نفقه اولاد بر عهده پدر است و پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به اتفاق بعهدۀ اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب و در صورت نبودن پدر و اجداد پدری یا عدم قدرت آنها، نفقه بر عهده مادر است. هر گاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند نفقه را باید به حصه مساوی تأدیۀ کنند.» بنابراین کسانی که قانوناً ملزم به پرداخت نفقه طفل هستند به ترتیب عبارتند از: ۱- پدر ۲- اجداد پدری ۳- مادر ۴- اجداد و جدات مادری و جدات پدری.

### ج - اداره امور مالی کودک

کسی که عهده دار نگهداری و تربیت (حضانة) کودک است الزاماً همان شخصی نیست که امور مالی وی را اداره می کند زیرا قانوناً، حضانة طفل و اداره امور مالی وی دو مقوله کاملاً مجزا می باشد. افرادی که حق دخالت و اداره امور مالی کودک را دارند به ترتیب عبارتند از: ولی قهری، وصی، قیم، امین.

مطابق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی: «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می باشد...» بنابراین پدر و جد پدری در مورد فرزند خود دارای اختیاراتی هستند که قانوناً به آنان تفویض شده و احتیاج به تنفیذ از طرف مقام یا مرجعی ندارند و در تأکید این مطلب ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی مقرر می دارد: «هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند». سمت پدر و جد پدری را در اصطلاح قانونی «ولایت قهری» گویند. بنابراین توضیحات «ولایت» یعنی اختیار اداره امور مالی کودک فقط مخصوص پدر و جد پدری است و مادر از این جهت هیچگونه سمت و اختیاری ندارد. حتی اگر مادر مالی مثلاً منزلی را به فرزند خود ببخشد دیگر بعنوان سرپرست کودک حقی بر آن منزل ندارد و نمی تواند آن را اجاره داد یا به رهن گذارد بلکه این پدر است که میبایستی تصمیم بگیرد.

### د - اقامتگاه کودک

طبق ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی: «اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها است». بنابراین اقامتگاه کودک هم تابع اقامتگاه سرپرست قانونی او می باشد هر چند که محل سکونت واقعی طفل ممکنست در آن محل نباشد. بدین ترتیب و به نقل از صفحات ۱۸ تا ۲۷ کتاب حقوق کودک تألیف خانم شیرین عبادی قانونگذار همه وجوه و جوانب زندگی بچه ها را بعد از واقعه طلاق پیش بینی کرده و ابهامی باقی نگذاشته است. حال چرا با وجود این قوانین صریح و روشن بچه های طلاق سوژه دائمی جنگ های پدر و مادر بوده و سرگردان در مراجع قضائی و انتظامی هستند؟

### طلاق

از لحاظ حقوقی طلاق ایقاعی است که با اراده مرد محقق می شود؛ اما براساس مقررات قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق در سال ۱۳۷۱ و متعاقباً تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۷۱ برای طلاق و جدایی می بایستی زوجین یا یکی از آنها به دادگاه مراجعه نموده و گواهی عدم امکان سازش دریافت نمایند تا بتوانند از همدیگر جدا شوند. یکی از مواردی که گواهی عدم امکان سازش صادر می شود در صورت توافق زوجین جهت متارکه می باشد که آن را طلاق توافقی می نامند. متأسفانه به علل مختلفی بر شمار این گونه طلاق هر روز افزوده می شود که هدف از این تحقیق بررسی علل حقوقی ازدیاد و پیشگیری از این گونه طلاقی می باشد. با روش تحلیلی- توصیفی و با بررسی قوانین موضوعه و مناع موجود و توجهی به رویه قضایی به بررسی موضوع پرداخته شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۲).

### ازدواج

ازدواج قراردادی است که معلول خواسته های فطری انسان می باشد. اصولاً هر فردی با داشتن اهلیت لازم، بر مبنای اصل حاکمیت اراده این اختیار را دارد که اعمال خود را تا زمانیکه حقوق و یا مصالح دیگران را مورد تعرض قرار ندهد، اما امروزه دایره اصل آزادی اراده محدود گردیده و محدودیتهایی که ممکن است برگرفته از عوامل قانونی یا شخصی باشد. الزام قانونی بر اراده فرد در اجرای حق طلاق از موارد این محدودیتهای می باشد. با توجه به سیر قانونگذاری در موضوع نکاح، کنترل و محدودیتهای وارده بر این عقد، همچون بعضی از قراردادها بر مبنای مصالح و منافی اعم از فردی و اجتماعی خواهد بود. حفظ کیان خانواده به عنوان جزئی مهم از پیکره اجتماع، از مهمترین مصالح مدنظر قانون تلقی می گردد. به همین خاطر برخی از قواعد مربوط به سایر معاملات بر آن جاری نخواهد بود. مثلاً نکاح قابلیت تعلیق و یا اقاله نخواهد داشت. قانونگذار بر طلاق به عنوان عاملی بر انحلال نکاح سیاستی کنترلی و هدایت کننده در پیش گرفته است با این توضیح که با تدوین خاص درصدد مانع تراشی بر سر راه اعمال این حق از سوی صاحب آن در مواقع غیرضروری و عجولانه خواهد بود. (صفایی، ۱۳۸۵).

**ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی:**

مرد میتواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش بنماید در تبصره این ماده نیز به زن این حق داده شده که با وجود شرایط این قانون از دادگاه تقاضای طلاق نماید. بنابراین شوهر برای بکارگیری این حق باید از دادگاه گواهی عدم امکان سازش بگیرد و گرفتن این گواهی مستلزم طی نمودن تشریفات از جمله داوری و نیز تأدیه تمام حقوق مال زن و یا کسب رضایت او خواهد بود. اجبار زوجین برای انجام تشریفات لازم برای طلاق در محاکم همچون، جلسات طولانی دادگاه، داوری و یا مراکز مشاور خانواده می تواند در کاهش و انصراف متقاضیان طلاق مؤثر آید. کسب اهداف فوق مستلزم تدوین قوانین مخصوص خواهد بود تا بتواند در کنار قوانین کلی و نیز احکام شرعی در آن موضوع، کمکی برای بدست آوردن خواسته قانونگذار باشد. احکام فقهی در قوانین ایران نقش به سزایی مینماید. آنچه احکام شرعی و قوانین مدنی در موضوع حقوق خانواده بوده دفاع و حمایت از نهاد خانواده و تلاش برای استحکام آن می باشد. لذا این هدف اصلی و مشترک مابین آنها خواهد بود؛ اما آنچه سبب وضع قوانین جدید و یا تغییر در بحث طلاق میگردد، تغییرات ایجاد شده در اجتماع و زندگی افراد خواهد بود (محقق داماد، ۱۳۷۶).

**طلاق در فقه**

در فقه طلاق عملی (حقوقی) است که در نزد شارع مقدس مغبوض و مسلمانان را از آن نهی می نماید. وضع احکام مربوط به طلاق در نصوص قرآنی در حالی بود که مسلمانان واقعی به دلیل ایمان قوی تمام عملکرد زندگی خود را بر مبنای احکام شرعی انجام می دانند و از هرگونه اعمالی که نتیجه آن غضب و ناخرسندی خداوند را در پی میداشت، دوری می جستند بنابراین مردم احکام را نه به عنوان الزام، بلکه به وسیله و طریقه رسیدن به سعادت و کسب رضایت خداوندی می دانستند و خود آنان داوطلبانه به آن عمل می نمودند. به عبارت دیگر احکام مزبور از ضمانت اجرای معنوی برخوردار بودند. اما با گذشت زمان و تغییر محیط متأسفانه به مرور روح ایمان و تقوای کامل از میان مردم رخت بریست و غضب خداوند که زمانی مهمترین ضمانت اجرای طلاق بود، ارزش خود را تقریباً از دست داد. لذا چنین عقوبتی دیگر برای جلوگیری از وقوع این عمل مغبوض کافی نبود.

**مفهوم طلاق توافقی:**

زوجیت در زندگی زناشویی علقه‌های طبیعی است که از میل دو جنس مخالف به یکدیگر سرچشمه می‌گیرد و دارای شرایط و ضوابط خاصی است که با پیمانهای دیگر اجتماعی از قبیل بیع و اجاره که یک سلسله قراردادهای محبت اصل دیگری به نام «مساوات» و «آزادی» اجتماعی صرف هستند، تفاوت دارد. در ازدواج علاوه بر دو اصل نیز وجود دارد. با توجه به اصل مذکور افراد سالیان دراز می‌توانند بدون کوچکترین مشکلی در کنار هم «همدلی» و زندگی کنند؛ اما اگر به سبب بروز عللی، مثل اشتباه بودن نوع ازدواج و کیفیت پیوند آنها این اصل به حاشیه رانده شود، رکن اصلی خانواده از بین رفته و برگشت به این زندگی دشوار خواهد بود. شاید بتوان چنین زوجینی را به اجبار قانون کنار هم نگه داشت، ولی این کار تبعات ناخوشایند دیگری را به دنبال خواهد داشت. در چنین حالتی مصلحت زوجین بر جدایی موافق است تا ادامه ی زندگی که طلاق عاطفی، سایه سنگین خود را بر بنیان خانواده بیفکند. اگرچه در خصوص قانونی، طلاق را در اختیار مرد قرار داده اند، اما از زن و شوهری که به هر دلیلی ادامه این شرایط را به صلاح خود نمی بینند، دور از انتظار نیست تا بر جدایی تصمیم و توافق نمایند. اسلام نیز با وجود اینکه طلاق را مغبوض می‌شمارد، اما در صورت ایجاد کراهت فی مابین زوجین طلاق و جدایی را اگر واجب نداند مستحب می‌شمارد (حبیبی تبار، ۱۳۸۸، ص ۶۷).

### شرایط طلاق توافقی

مطابق قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، زوجین می‌توانند مستقیم به دادگاه یا به مراکز مشاوره خانواده اعلام درخواست طلاق نمایند. اگرچه دادگاه نیز قبل از صدور رأی موضوع را به مراکز مشاوره خانواده می‌فرستد، اما عملاً متقاضیان درخواست را در دادگاه ارائه می‌دهند. زمانی که بین زن و شوهر قبل و یا بعد از شروع زندگی مشترک اختلاف به وجود آمد و هر دو نفر تصمیم به جدایی از یکدیگر گرفتند، ارائه درخواست به محکمه ممکن است توسط خود آنها مستقیم تقدیم گردد و یا از طریق وکیل اقدام نمایند. در مورد وکالت در موضوع طلاق نکاتی لازم به بیان است. طلاق ایقاع بوده و می‌بایست توسط مرد صیغه طلاق جاری شود. زوج می‌تواند جهت اجرای صیغه طلاق به زوج وکالت دهد. در این صورت زوج و زوجه به یکی از دفاتر اسناد رسمی مراجعه و زوج به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل به غیر اعطا مینماید تا زوجه بتواند خویش را مطلقه نماید و در وکالتنامه نوع طلاق، بذل مهریه، قبول مابذل، حضانت اطفال، نفقه اطفال، میزان اجرت المثل، ممکت است قید شود و ممکن است قید نشود و وکالت به نحو مطلق داده شود.

### ماده ۱۶ و تحلیل آن:

به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه مؤظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاههای خانواده ایجاد کند. تبصره - در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد دادگاهها می‌توانند از ظرفیت این مراکز نیز استفاده کنند. این ماده در جهت تحقق هر چه بیشتر اصل ۱۰ قانون اساسی می‌باشد.

### ماده ۱۷

اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسان رشته‌های مختلف مانند مطالعات، مشاوره، روان پزشکی، روان شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه مبانی حقوق اسلامی انتخاب می‌شوند و حداقل نصف اعضای هر مرکز باید از بانوان متأهل واجد شرایط باشند. تعداد اعضاء نحوه انتخاب، گزینش، آموزش و نحوه رسیدگی به تخلفات اعضای مراکز مشاوره خانواده، شیوه انجام وظایف و تعداد این مراکز و نیز تعرفه خدمات مشاوره ای و نحوه پرداخت آن به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به وسیله وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد (همان، ص ۷۲)

### نظریه مبتنی بر اتفاق آرا:

شرایط مشاوران و نحوه عملکرد آنها به وسیله آیین نامه اعلام خواهد شد. تحلیل: هنوز آیین نامه ماده ۱۷ مذکور تدوین نگردیده است. لازم است در انتخاب اعضای مرکز مشاوره خانواده پس از انتخاب آنها دوره کار آموزی به مدت معینی در دادگاه ها و مراکز مشاوره و خدمات اجتماعی مورد پیش بینی قرار گیرد و در حد کافی دوره های مطالعات مربوط به حقوق خانواده و کاربرد آن را مطالعه کنند و تعداد اعضای مرکز مشاوره خانواده و نقش آن ها در هیئت مشاوره مشخص شود. (پیشین)

### نحوه ارجاع موضوعات به مراکز مشاوره خانواده توسط دادگاه:

### ماده ۱۸

در حوزه های قضائی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر این مراکز را در مورد امور دعاوی خانوادگی خواستار شود.

نکته) دادگاه الزامی جهت ارجاع پرونده به مراکز مشاور خانواده و نیز تبعیت از نظریه این مراکز ندارد و این جنبه اختیاری با فواید مندرج در صدر ماده ۱۶ (تحکیم مبانی خانواده جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق) در تعارض است. (همان، ص ۷۳)

### نظریه مبتنی بر اتفاق آرا

لازم است میزان تاثیر نظریه مشاور در موضوع اختلاف در صدور رای مشخص شود. تحلیل: در صورت تشخیص دادگاه موضوع اختلاف به مراکز مشاوره خانواده ارجاع خواهد شد.

### ماده ۱۹

مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره ای به زوجین، خواسته های دادگاه را در مهلت مقرر اجراء و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می کنند. مراکز مذکور در صورت حصول سازش به تنظیم سازش نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می کنند. تبصره - دادگاه با ملاحظه نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی می کند. (همان)

### نتیجه گیری

۱) اهمیت خانواده و استحکام کیان آن در جامعه از بدیهیات امر بود اشتقاق و از هم پاشیدگی آن در نهایت ضربه سنگینی را بر پیکره اجتماع اعم از بعد اخلاقی و فرهنگی و سایر موضوعات وارد خواهد آورد. تلاش برای جلوگیری و یا پیشگیری از وقوع این حالات شرعاً و اخلاقاً از وظایف تمام اعضای جامعه خواهد بود. وظایف‌های که به تناسب شرایط مورد انتظار میباشد. ۲) طلاق عمده ترین عامل ایجاد شرایط مزبور بر خانوادهها میباشد. با توجه به فلسفه طلاق، راه حلی قانونی و شرعی برای پایان دادن به عمر زوجینی است که نه تنها از اساس بر مبنای اصول واقعی و لازم برای این نهاد مؤثر خانواده واقع نگردیده است بلکه ادامه آن نیز جدای از عوارض منفی برای زوجین آثاری سوء بر جامعه پدید خواهد آورد اما امروزه این حکم بیشتر از آنکه نقش راه حل قانونی و شرعی را داشته باشد، و مطابق فلسفه وجودی خود در شرایط لازم اعمال گردد، دست آویزی برای افرادی (زوجین) بی تدبیر قرار گرفته، به گونهای که امروزه به آن همچون معضل اجتماعی مینگردند ۳) قانونگذار با توجه به جایگاهی مهم که دارد، باید سعی بر حل معضل مذکور داشته باشد. اما در این میان طلاق توافقی بیش از سایر موارد مشابه سبب وخامت وضع مربوط شده است. طلاق توافقی جلوه‌های دیگر از طلاق است که در قانون توسط قانونگذار وضع گردیده و آثار آن را نیز تدوین نموده اند. با توجه به تشریح برخورد متفاوتی که قانون با این طلاق داشته و دارد و سوء استفاده های زوجین از این موضوع را به دنبال داشته، با این شرایط اگرچه هدف اساسی قانون، پیشگیری و سعی در استدام کیان خانواده می باشد، اما بی توجهی او در این رابطه، عاملی مهم در بی ثمر نمودن سایر اقدامات قانونی برای پیشگیری و کنترل آمار طلاق قرار گرفته است. با بررسی ماهیت و عملکرد مقررات مربوطه در محاکم و آمار طلاق توافقی، نقص قانونگذاری را به آشکارا میتوان در این موضوع دید آنچه از قانون انتظار میرود، تنظیم روابط افراد در تمام عرصهها علی الخصوص در حیطه خانواده و کمک به مستحکم گردانیدن آن میباشد.

### پیشنهادات

۱- به دلیل اینکه بسیاری از ازدواجهای ناهمسان (مثلاً به لحاظ سنی و یا تحصیلی) سبب طلاق زوجین می گردند. از این رو پیشنهاد می شود که فرهنگ سازی در جامعه به گونه ای باشد که افراد به دنبال گزینه های همسان برای ازدواج باشند. مراکز مشاوره قبل از ازدواج می توانند در این زمینه تاثیر گذار باشند.

- ۲- بسیاری از کسانی که زندگی شان به طلاق منجر شده است شناخت درست و آگاهانه ای از یکدیگر در موقع ازدواج نداشته اند از این رو شناخت افراد از یکدیگر از بسیاری از طلاقیها که در آینده ممکن است اتفاق بیافتد جلوگیری میکند.
- ۳- فرهنگ سازی در مورد زندگی مناسب زناشویی خود به خود بسیاری از مشکلات منجر به طلاق را کاهش می دهد. اینکته مثلا انتظارات زوجین از یکدیگر چگونه و تا چه اندازه باید باشد و یا اینکه اگر نداشتن فرزند به دلیل نازائی یکی از زوجین منجر به طلاق در در یک خانواده می شود زوجین می توانند با قبول فرزند از مراکز بهزیستی این مشکل را حل کنند.
- ۴- در عین حال به نظر می رسد که بسیاری از عوامل ساختی اجتماعی در جامعه سبب ایجاد طلاق می شود. عواملی چون بیکاری، فقر اقتصادی و نابرابری، مهاجرت فزاینده به شهرها و مشکلات زندگی در شهرها، به نظر می رسد که حل این مسائل بخصوص در شهرها خود گشایشی است برای حذف بسیاری از مسائل موجود در خانواده ها که منجر به طلاق می شود.
- ۵- در جامعه باید بگونه ای فرهنگ سازی شود که به فرد مطلقه (بخصوص زنان) به دید محکوم نگاه نشود بلکه با پذیرش فرد در جامعه زمینه ازدواج مجدد (بخصوص برای زنان) برای او مهیا شود.
- ۶- بسیاری از آسیبهای اجتماعی (چون فحشا، فرار از خانه، بزهکاری کودکان و ...) برآمده از خانواده های گسسته شده بوسیله طلاق است لذا جامعه باید با کاربرد راهکارهای حمایتی و نظارتی برای اینگونه از خانواده ها از بسیاری از آسیبهای اجتماعی ناشی از طلاق جلوگیری کند. در این زمینه است حمایت از خانواده های تک سرپرست یا کودکان بی سرپرست.
- ۷- همکاری و درک متقابل در برابر رقابت منفی و طلبکارانه. تقویت امیال و عوامل صمیمانه و در میان گذاردن دورنی ترین افکار خود با یکدیگر و برنامه ریزی برای برآوردن خواسته ها در زمان مناسب با در نظر گرفتن شرایط و پتانسیل های موجود.
- ۸- تلاش برای حفظ استقلال زندگی زناشویی و پرهیز از وابستگی های مقطعی با اطرافیان نزدیک. این بند از مهمترین بندهای مربوط به شکل گیری و یا ممانعت از طلاق روانی در زندگی های جاری است. حفظ استقلال در زندگی زمانی واقعیت می یابد که هر دو طرف درگیر، در دایره زندگی حساسیت های کاذب و تعصبات افراطی خود را نسبت به نزدیکان خود کنار بگذارند. در غیراین صورت عوامل ناخواسته تنش زا وارد پیکره زندگی شده و به اساس آن لطمه می زند.
- ۹- در کنار ایجاد مرکز مشاوره، مبارزه با عوامل افزایش طلاق در جامعه تشکیل خانواده، آموزش جوانان و آگاه سازی آنها برای ازدواج اهتمام ورزید.
- ۱۰- فرار دختران ریشه در مشکلات خانوادگی دارد و از آنجا که فرزندان از خانواده خود الگوبردای می کنند باید مهارتهای زندگی و درست زندگی کردند به خانواده ها داده شود.

## منابع و مآخذ :

۱. احمدی، سید احمد، (۱۳۷۲). روانشناسی نوجوانان و جوانان، انتشارات مشعل، اصفهان.
۲. احمدی . خدابخش و فتحی آشتیانی . علی، (۱۳۸۲)، مقایسه مشکلات روانشناختی فرزندان شهدا و فرزندان متوفیان سپاهی، مجله طب نظامی، شماره ۴۵
۳. احمدی. خدابخش، ( ۱۳۷۴ )، بررسی مقایسه ای تأثیر روش های مشاوره ای بر افزایش خویشتن پنداری مراجعان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم
۴. تقوی ، نعمت الله ( ۱۳۷۹ ). جامعه شناسی خانواده ، تهران ، انتشارات دانشگاه پیام نور
۵. حبیبی تبار، جواد، (۱۳۸۸). طلاق و لایحهی حمایت خانواده با تأکید بر پیشگیری از طلاق، مطالعات راهبردی زنان بهار
۶. حسینی، سید مهدی، ( ۱۳۶۴ )، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی، تهران ، انتشارات امیرکبیر

۷. دانای علمی، منیره. (۱۳۷۴). موجبات طلاق در حقوق ایران و اقلیت های غیرمسلمان، تهران، انتشارات اطلس
۸. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۶). طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۳). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی، انتشارات سمت، تهران
۱۰. فرجاد، محمد حسین. (۱۳۷۲). آسیب شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق، تهران، انتشارات منصوری
۱۱. فقیهی، علی نقی. (۱۳۸۴). مشاور در آینه ی علم و دین - دفتر انتشارات اسلامی، قم
۱۲. گروه انتشارات، (۱۳۷۳)، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری
۱۳. حضرت آیت ا... خامنه ای، چاپ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۱۴. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، (۱۳۸۲)، انتشارات مرکز آماری ایران، تهران
۱۵. نشریه: روان شناسی و علوم تربیتی «اندیشه و رفتار» تابستان و پاییز ۱۳۷۴ - شماره ۵ و ۶ از ۱۰۳ تا ۱
۱۶. هروی کریموی. مجیده، انوشه. منیره و معماریان. ربابه. (۱۳۷۹)، بررسی تأثیر برنامه مشاوره با خانواده در پیشگیری از سوء رفتار با زنان، مجله دانشور جلد ۷، نسخه ۲۷
۱۷. هیلی، جی، (۱۳۵۶). روان درمانی خانواده، ترجمه باقر ثنائی، انتشارات امیرکبیر.
18. Hagborg, W.J. (1991), Adolescent clients and perceived counselor Characteristics. Journal of Clinic psychology; 47(1): 107-113
19. Lagana, L.(1995) older adults expectations about mental health counseling. International Journal of again human development; (4): 297- 316
20. Martin & Sparacino, L.& Belenky, G.(1996) "The Gulf War And Mental Health" Acomprehensve Guider Prager Publishers.
21. Rapuse,L.V.(1986) Philipino Marriage In Crisis Cuezon City: Newday. PUB.



# Investigating the Role of Family Counseling Centers in Iranian Law Considering the New Family Protection Law

Daryush Babaei<sup>1</sup>, Masoud Ansari<sup>2</sup>

1- Assistant professor of Islamic Azad University, Branch of Yasuj

2- PhD candidate of law, Department of Law, Islamic Azad University, Branch of Yasuj

---

## Abstract

The aim of this study is to investigate the role of family counseling centers in Iranian Law considering the new Family Protection Code, which explores ways to reduce problems in families and to prevent divorce, especially the agreed types of divorce, and to increase the security of families. The family counseling centers had been non-officially active in the academic centers and seminaries for many years before they were legalized, and subsequently some family counseling centers were officially established in some major universities and Welfare Centers. It was then in 1975 that the Family Protection Act was passed due to the high importance of families and the New Family Protection Code dealt with this important issue in 2013, expressing that familial tranquility and reconciliation and the need for family counseling and psychological services before the occurrence of agreed divorces can help strengthen families so considerably, and this important issue requires more practical support and protection, and the family counseling centers need to focus on prevention, treatment and rehabilitation. Accordingly, this study sets out to investigate the needs of families for consulting services.

**Keywords:** The New Family Protection Code, family Counseling Centers, Agreed Divorce, Psychological Issues

---